

The Legal Status of Iran's Attack on Israel in the Context of Retaliatory Actions, Countermeasures, and Self-Defense

Juma Ali Haqani*, Abdul Qadeem Sayeedi**

* Faculty Member, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan
Email: J.ali.haqqani@kateb.edu.af

**Master's student in International Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan
(Corresponding Author)
Email: abqadeem.sayeedi@gmail.com

Abstract

In response to Israel's attack on its consulate in Damascus in March 2024, Iran launched retaliatory attacks against Israel, sparking significant discourse within the realm of international law. Various interpretations have emerged, with some characterizing these actions as "retorsion," others as "countermeasures," and still others as "self-defense" as enshrined in the UN Charter. This research delves into the precise nature of Iran's attack on Israel through the lens of these concepts, examining the conditions and distinctions associated with each. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing on documentary data, this study concludes that Iran's missile and drone attacks against Israel cannot be categorized as either retorsion or countermeasures. Rather, given the circumstances and characteristics of Iran's actions, they are best understood as an exercise of the right to self-defense. Israel's attack on the Iranian consulate in Damascus constituted an armed attack, fulfilling one of the prerequisites for invoking self-defense. Moreover, the other requirements of self-defense, such as proportionality, necessity, and notification to the Security Council, were also met by Iran's actions. Consequently, it can be argued that Iran's missile and drone attacks constituted a lawful exercise of the right to self-defense under the UN Charter and international law.

Keywords: retorsion, countermeasures, legitimate self-defense, international armed conflict, aggression

وضعیت حقوقی حمله ایران به اسرائیل در قالب مفاهیم، اقدامات تلافی جویانه، اقدامات متقابل و دفاع مشروع

جمعه علی حقانی*، عبدالقدیم سعیدی**
* کدر علمی دانشکده حقوق، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان
J.ali.haqqani@kateb.edu.af
** محصل ماستری حقوق بین الملل، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان (نویسنده مسئول)
abqadeem.sayeedi@gmail.com

چکیده

ایران در پاسخ به حمله اسرائیل بر کنسولگری این کشور در دمشق، در ماه حمل ۱۴۰۳ اقلدم به حملاتی علیه اسرائیل نمود که زمینه‌ساز مباحث زیاد و گفتمان‌هایی در حقوق بین‌الملل گردید. برخی این حملات را «اقدامات تلافی جویانه» خوانده و عده‌ای دیگر «اقدامات متقابل» و برخی دیگر نیز این حملات را «دفاع مشروع» مصرح در منشور خواندند. مسئله این تحقیق بررسی دقیق ماهیت حمله ایران به اسرائیل بر اساس حقوق بین‌الملل در قالب مفاهیم فوق، شرایط و تفاوت‌های ناشی از گنجاندن آن ذیل هر یک از مفاهیم است. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام یافته و داده‌های آن با روش اسنادی گردآوری شده است. سرانجام تحقیق حاضر به این نتیجه دست یافته است که حملات موشکی و پهبادی ایران علیه اسرائیل، نه در قالب اقدامات تلافی جویانه و نه در قالب اقدامات متقابل، بلکه با توجه به شرایط و ویژگی‌های دفاع مشروع و چگونگی انجام حملات ایران علیه اسرائیل، در قالب مفهوم دفاع مشروع بهتر قابل توضیح و تبیین است. حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق واجد وصف حمله مسلحانه بوده است که وقوع آن یکی از شرایط دفاع مشروع می‌باشد؛ بنابراین، شرط دفاع مشروع را محقق ساخته است. در عین حال سایر شرایط دفاع مشروع از قبیل، تناسب، ضرورت و اطلاع رسانی به شورای امنیت نیز در حملات ایران علیه اسرائیل وجود داشته است. در نتیجه می‌توان گفت، حملات موشکی و پهبادی ایران علیه اسرائیل در تاریخ مزبور، استفاده از حق دفاع مشروع طبق منشور و حقوق بین‌الملل است.

واژه‌های کلیدی: اقدامات تلافی جویانه، اقدامات متقابل، دفاع مشروع، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، تجاوز.

۱. مقدمه

حمله اسرائیل بر ساختمان کنسولگری ایران در دمشق به تاریخ سیزدهم حمل ۱۴۰۳ که منجر به کشته شدن سیزده تن، از جمله مقامات عالی رتبه نیروهای مسلح ایران شد واکنش مسلحانه شدید ایران را در پی داشت. ایران حدود سیزده روز پس از این حمله، در ۲۶ حمل ۱۴۰۳ اهدافی مشخصی را در قلمرو اسرائیل مورد حمله قرار داد. حمله موشکی ایران به اسرائیل روایات و برداشت‌های متفاوتی را میان کشورها و حتی حقوقدانان مطرح ساخت. عده‌ای این حملات را حمله یا «اقدام تلافی‌جویانه» در پاسخ به حمله اسرائیل بر ساختمان کنسولی این کشور در دمشق دانسته اند، عده دیگر آنرا «اقدامات متقابل» و برخی دیگر آنرا «دفاع مشروع» در برابر حمله اسرائیل خوانده اند. مقامات دولتی ایران نیز این حملات را تحت مفاهیم و اصطلاحات مختلفی بیان داشته اند.

از آنجا که فهم دقیق عبارات و اصطلاحات در مباحث حقوقی یک امر بسیار مهم و قابل توجه است چه بسا آنکه در حقوق بین‌الملل هر مفهوم حقوقی جایگاه و کاربرد مخصوص خود را داشته و در عین حال آثار و تبعات حقوقی مشخص و منحصر به فرد را دارا می‌باشد، عدم درک و فهم دقیق اصطلاحات حقوقی در حقوق بین‌الملل می‌تولند منجر به تحلیل نادرست در وقایع حقوقی بین‌المللی گردد. لذا نیاز است تا روشن گردد که حمله ایران علیه اسرائیل طبق حقوق بین‌الملل تحت کدام یک از مفاهیم یاد شده قرار می‌گیرد. روی این ملحوظ مقاله کنونی با بررسی شرایط، ویژگی و تفاوت‌های هر یک از اصطلاحات «اقدامات تلافی‌جویانه»، «اقدامات متقابل» و «دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل، در صد آنست تا دریابد که حمله موشکی ایران به اسرائیل دقیقاً مؤجد وصف و شرایط کدام یک از اصطلاحات فوق بوده و در قالب کدام یک از اصطلاحات یاد شده می‌گنجد. در ادامه هر یک اصطلاح را بصورت مفصل و مجزا مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- اقدامات تلافی‌جویانه در حقوق بین‌الملل

اقدامات تلافی‌جویانه (Retaliation): عبارت از یک سلسله اعمال غیر قانونی و مضرى اند که از جانب یک کشور در عکس‌العمل به عمل مضر و تهاجمی کشور دیگر اتخاذ می‌شود. یعنی اعمال انتقام‌جویانه و غیرقانونی کشور دوم در حق کشور اول. (ملکزاده، ۱۳۸۷: ۴۵). معمولاً کشورها با انتقام و اعمال تلافی‌جویانه شان می‌خواهند از تعدی و تجاوزهای بیشتر کشور دیگر جلوگیری به عمل آورند. این اصطلاح از لحاظ معنی با کلمه تلافی (reprisal) تفاوت چندانی ندارد و تقریباً هم معنی است (ملکزاده، ۱۳۸۷: ۴۵). تعریف مؤسسه حقوق بین‌الملل نیز مشابه همین تعریف است که بیان می‌دارد: اقدامات تلافی‌جویانه، اقدام زورمندانه‌ای است که ناقض قواعد عادی حقوق بین‌الملل است. (annuaire de l'institut de droit international, 1948, p. 78) این اقدام که یک کشور اتخاذ می‌کند، پیامد اعمال نامشروعی است که کشور دیگر علیه وی انجام داده است. هدف از این اقدام آن است که با وارد ساختن خسارت به طرف مقابل، وی را ملزم به رعایت مقررات حقوقی نماید (بیگدلی، ۱۳۹۴: ۴۹). از نظر واژگانی به‌طور سنتی اقدامات تلافی‌جویانه برای در برگرفتن اعمالی از جمله اقدامات قهری بکار رفته به عنوان خودیاری و در واکنش به یک نقض انجام می‌گرفته اند. اخیراً اقدامات تلافی

جویانه محدود به اقداماتی شده اند که به هنگام مخاصمات مسلحانه بین‌المللی انجام می‌شود (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۵: ۲۸۵). به‌طور مثال؛ در جنگ روسیه و اوکراین، پس از حملات اوکراین به (پل کرچ) که پل ارتباطی و استراتژیژیک میان شبه جزیره کریمه و روسیه بود، روسیه در واکنش به این حملات، به تاریخ ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ بندر «اودسا» که یکی از بندرهای صادر کننده غلات اوکراین به‌شمار می‌رود و محل آماده‌سازی حملات اخیر اوکراین به پل کرچ بود به عنوان اقدامات تلافی‌جویانه مورد هدف قرار داد (parisi.euronews.com, russia's retaliatory attacks on odessa, 2023/7/18) یا اینکه در یک مورد دیگر روسیه به اوکراین هشدار داد که در صورت حمله نظامیان آن کشور به اماکن مسکونی روسیه، کی‌ف به حملات تلافی‌جویانه شدید روسیه مواجه خواهد شد (bbc.com/persian/world-61124131, 2022/4/15). لذا اقدامات تلافی‌جویانه، اقدامات قهری هستند که معمولاً مغایر حقوق بین‌الملل می‌باشند، اما به‌وسیله یک طرف در جریان مخاصمات مسلحانه در مقام مقابله به مثل به منظور متوقف ساختن طرف مقابل از نقض حقوق بین‌الملل (حمله به امکان مسکونی، عام‌المنفعه و ...) صورت می‌گیرند. اقدامات تلافی‌جویانه ابزارهای کلاسیک برای اجرای قواعد حقوق بین‌الملل عام است (فلک، ۱۳۹۵: ۲۷۳). توسل به اقدامات تلافی‌جویانه موجب می‌شود متخاصمی که در حال تخلف از حقوق بین‌الملل است، از نقض حقوق بین‌الملل دست بردارد.

تلافی‌جویی صرفاً در شرایط استثنایی و با هدف اجرای حقوق بین‌الملل مجاز است، بنابر این اقدام به تلافی‌جویی، مستلزم اتخاذ تصمیم در بالاترین سطح سیاسی است (فلک، همان: ۶۹۰). در دکتترین کلاسیک، باید اعمال تلافی‌جویانه مسبوق به هشدار باشد تا کشور متخلف بتواند رفتارش را تغییر دهد.

اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها طبق منشور سازمان ملل، صریحاً عمل تلافی‌جویانه را ممنوع کرده و مقرر می‌دارد که دولت‌ها موظف هستند که از اقدامات تلافی‌جویانه متضمن توسل به زور خود داری نمایند (Resolution. 2635, 24, OCT, 1970).

در حال حاضر، اقدامات تلافی‌جویانه باید با موازین حقوق بین‌الملل معاصر در مورد توسل به زور تطبیق داده شود تا عدم مغایرت آن‌ها با حقوق بین‌الملل احراز گردد. مصداق بارز این نوع اقدامات حمله به اشیای غیرنظامی است. به رغم غیر قانونی بودن کلی اقدام مورد نظر، حقوق بین‌الملل موقتاً اجازه نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را می‌دهد تا طرفی که از قبل در حال نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه است را به توقف این کار مجبور سازد. از آنجا که اقدامات تلافی‌جویانه متضمن نقض عامدانه حقوق بین‌الملل توسط دولت قربانی هستند، محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر آنها بار شده است. مهمترین محدودیت در این زمینه این است که تنها هدف مجاز، وادار ساختن دشمن به پایبندی به تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. افزون بر این، چون هدف وادار سازی دشمن به پایان دادن به عمل غیرقانونی خود است؛ لذا عملی که موفقیت آن محتمل و متصور نیست، اقدام تلافی‌جویانه به شمار نمی‌رود. همچنان نمی‌توان پیش از نقض از سوی دشمن یا در نبود اعتقاد معقول به ارتباط نقض پیشین، به مجموعه‌ای مشخص از نقض‌ها دست به اقدام تلافی‌جویانه زد (اشمیت، ۱۴۰۳: ۲).

چنانچه بیان گردید، اقدامات تلافی‌جویانه در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مطرح بوده، لذا نیاز است تا تعریفی از جنگ یا مخاصمات مسلحانه بین‌الملل داشته باشیم تا زمینه فهم تفاوت اقدامات تلافی‌جویانه با دیگر اصطلاحاتی که بعداً مورد بحث قرار می‌گیرد سهل تر گردد.

جنگ یا مخاصمه به عنوان «ابزار سیاست ملی» مجموعه عملیات و اقدامات قهر آمیز مسلحانه‌ای است که در چارچوب مناسبات کشورها روی می‌دهد. در این وضعیت حد اقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل دیدگاه‌های سیاسی خود بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهر آمیز مسلحانه، وسیله است و هدف آن، تحمیل اراده مهاجم (بیگدلی، ۱۳۸۷: ۵۵۳).

بناءً مخاصمات مسلحانه بین‌المللی وضعیتی است که دو یا چند دولت در یک درگیری مسلحانه شرکت داشته باشند. در این حالت مقررات اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به ویژه مقررات مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی اعمال خواهد شد (والاس، ۱۳۹۲: ۴۵۹).

به گفته شیندلر (Schindler) وجود یک درگیری مسلحانه در مفهوم ماده ۲ مشترک کنوانسیون ژنو همیشه می‌تواند زمانی فرض شود که بخش‌هایی از نیروهای مسلح دو کشور با یکدیگر درگیر شوند. هر نوع استفاده از سلاح بین دو کشور، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را به اجرا در می‌آورد (ICRC Openion paper, 2008: p2).

حقوق دانان کلاسیک معتقد اند برای آنکه از نظر حقوقی حالت جنگی در روابط بین‌المللی شناخته شود، باید اعلان جنگ یا نوعی التیما توم^۱ که بیانگر قصد و نیت واقعی دو یا چند دولت است رسماً وجود داشته باشد. در حقوق بین‌الملل جدید که متأثر از تحولات شگرف تکنولوژی قرن بیستم است، دیگر وجود اعلان جنگ یک مؤلفه اساسی برای شناسایی حالت جنگی به حساب نمی‌آید و صرف استفاده از نیروی نظامی وسیله یک دولت با نیت آغاز جنگ، برای تشخیص امر کفایت دارد (کاظمی، ۱۳۶۸: ۱۲۹). چنانچه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو این امر را پذیرفته و برای آغاز جنگ، اعلان رسمی را ضرورت نمی‌دانند (ICRC Openion paper, 2008: p1).

۱/۱ - شرایط اقدامات تلافی‌جویانه

چنانچه بیان گردید، قاعده کلی ممنوعیت اقدامات تلافی‌جویانه در حقوق بین‌الملل است، اما به صورت استثنایی و به هدف تقویت حقوق بین‌الملل و پایبند ساختن طرف مخاصمه به اصول حقوق بین‌الملل بویژه به مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه (در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی)، توسل به اقدامات تلافی‌جویانه با رعایت یک سلسله شرایط و ضوابط ذیل مجاز دانسته شده است.

۱. هدف باید متوقف ساختن طرف مقابل از نقض باشد، در صورتیکه که چنین هدفی متصور نباشد، اقدامات تلافی‌جویانه محسوب نخواهد شد؛

۱. آخرین پیشنهاد قطعی که دولتی به دولت دیگر می‌دهد و قبول نکردن آن موجب قطع روابط دو دولت یا وقوع جنگ می‌شود.

۲. به دلیل اهمیت سیاسی و نظامی شان، باید در بالاترین سطح سیاسی اقدامات تلافی‌جویانه تجویز شود، هیچ سربازی حق ندارد که به تشخیص و تصمیم خود دست به اقدامات تلافی‌جویانه بزند؛
۳. اقدام تلافی‌جویانه نباید نسبت به جرم ارتكابی فاحش باشد؛
۴. مسبوق به هشدار یا اخطار قبلی می‌باشد تا دولت متخاصم از نقض قواعد حقوق بین‌الملل دست بردارد؛
۵. اقدامات تلافی‌جویانه به عنوان آخرین چاره مجاز می‌باشد، زمانی که دیگر ابزارها و اخطار قبلی برای توقف نقض یا رفتار غیرقانونی تأثیر نداشته باشد.
۶. به محض اینکه دشمن اقدامات خود را مطابق با حقوق تنظیم نمود و به نقض پایان داد، اقدامات تلافی‌جویانه باید متوقف شوند. (مهتاب، ۱۳۸۹: ۱۲۵۵)

۱،۲ - محدودیت‌های اقدامات تلافی‌جویانه

اعمال اقدامات تلافی‌جویانه دارای یک سلسله محدودیت‌هایی است که دولت‌ها در مقام اعمال این اقدامات باید چنین محدودیت‌هایی را مطمح نظر قرار دهند. لذا بر اساس اعتقاد و توافق جامعه بین‌المللی، اقدامات تلافی‌جویانه علیه موارد ذیل صریحاً ممنوع می‌باشد:

۱. مجروحان، بیماران، کشتی شکسته‌ها، کارکنان مذهبی و صحنی، تأسیسات و محموله‌های صحنی و درمانی (ماده ۴۶ کنوانسیون اول ژنو ماده ۴۷ کنوانسیون دوم، ماده ۳۳، بند ۲، شق ب کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۲۰ پروتکل الحاقی)
۲. زندانیان جنگی (ماده ۳۱، بند ۳، کنوانسیون سوم ژنو)
۳. غیرنظامیان (بند ۳، ماده ۳۳، کنوانسیون چهارم ژنو، بند ۵۱، ماده ۵۱، پروتکل الحاقی اول)
۴. اموال خصوصی غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی یا متعلق به بیگانگان دشمن در سرزمین دولت دوست (بند ۳، ماده ۳، کنوانسیون چهارم ژنو)
۵. اموال حیاتی و ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی (بند ۳، ماده ۵۵، پروتکل الحاقی اول)
۶. محیط‌زیست طبیعی (بند ۲، ماده ۵۵، پروتکل الحاقی اول)
۷. کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروهای خطرناک (بند ۴، ماده ۵۶، پروتکل اول الحاقی)
۸. اموال فرهنگی (ماده ۵۲، شق ج، پروتکل الحاقی اول، بند ۴، ماده ۴، کنوانسیون اموال فرهنگی)

موارد فوق از جمله ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های اقدامات تلافی‌جویانه می‌باشد که تحت هیچ شرایط نباید مورد حمله قرار گیرند.

۱،۳ - ویژگی‌های اقدامات تلافی‌جویانه

با بررسی موارد فوق در خصوص مفهوم اقدامات تلافی‌جویانه، به‌طور خلاصه چند ویژگی را می‌توان برای آن بر شمرد تا وجه تمایز این مفهوم با مفاهیم دیگر بیشتر آشکار گردد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. اقدامات تلافی‌جویانه، اقدامات قهری اند؛
 ۲. در زمان مخاصمات مسلحانه مطرح می‌باشند؛
 ۳. اصل بر ممنوعیت آنها است و استثناء مجاز می‌باشند؛
 ۴. کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو بر آن حاکم و قابل اعمال خواهد بود.
- آنچه که در بالا در خصوص اقدامات تلافی‌جویانه مورد بحث قرار گرفت گویای این امر است که حملات موشکی ایران به اسرائیل فاقد وصف اقدامات تلافی‌جویانه است و نمی‌توان آنرا اقدامات تلافی‌جویانه خواند. هرچند که حملات ایران واجد وصف قهری بودن هستند، اما طوری که در خصوص تعریف اقدامات تلافی‌جویانه بیان گردید، از دیگر شرایط اقدامات تلافی‌جویانه اینست که در زمان مخاصمات مسلحانه مطرح بوده و کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو بر آن اعمال می‌شود. از آنجا که اولاً حمله اسرائیل در سیزدهم حمل ۱۴۰۳ به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق در حالت جنگی صورت نگرفته است تا حملات متقابل موشکی ایران را که در ۲۶ حمل ۱۴۰۳ در پاسخ به این اقدام اسرائیل صورت گرفت، اقدام تلافی‌جویانه تلقی کرد. ثانیاً وضعیت موجود میان ایران و اسرائیل فاقد وصف وضعیت جنگی بوده و در حالت مخاصمه با یکدیگر قرار ندارند، لذا در تطبیق حمله ایران بر اسرائیل با مفهوم اقدامات تلافی‌جویانه چنین استنتاج می‌شود که حملات موشکی و پهبادی ایران به اسرائیل را نمی‌توان اقدامات تلافی‌جویانه عنوان کرد و باید در قالب اصطلاح دیگری آنرا جست‌وجو کرد.

۲- اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل

اقدامات متقابل، اقداماتی اند که اگر اقدام (فعل یا ترک فعل) دولت مسؤول نبود، با تعهدات بین‌المللی دولت صدمه دیده (زیان دیده) مغایر بود (دهقی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). هرچند کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۳۴ اقدامات متقابل را چنین تعریف کرده بود: «اقدامات متقابل به آن دسته از اقداماتی اطلاق می‌شود که به وسیله دولت زیان دیده از نقض قواعد حقوق بین‌الملل و به منظور واداشتن دولت مرتکب به رعایت این حقوق، اتخاذ می‌شود (ساعد، ۱۳۸۷: ۶۵۵)، اما چنین تعریف بیشتر به ماهیت قهری اقدامات متقابل اشاره دارد که امروز به عنوان «اقدامات تلافی‌جویانه» در حقوق بین‌الملل مطرح است و چنان که در مباحث فوق هم ذکر شد چنین اقدامات قهری در کلیت آن در حقوق بین‌الملل ممنوع می‌باشند و کاربرد آن صرفاً در موارد خاص یک استثناء است. طرح مسؤولیت بین‌الملل دولت‌ها که کمیسیون حقوق بین‌الملل نهایتاً آنرا در سال ۲۰۰۱ تصویب نمود با تصریح به نامشروع بودن اقدامات متقابل قهری و مغایرت آنها با تعهدات منع توسل به زور به شرح مندرج در منشور سازمان ملل متحد (بند ب ۱، ماده ۵۰)، در اینکه در حقوق بین‌الملل معاصر اقدامات متقابل صرفاً غیرقهری هستند، شکی باقی نماند. لذا اقدامات متقابل را می‌توان چنین تعریف نمود: اقدامات متقابل به کلیه تدابیر غیرقهری اطلاق می‌شود که دولت زیان دیده در برابر دولت مسؤول یک عمل متخلفانه بین‌المللی به منظور واداشتن آن دولت به توقف و جبران خسارت آن به عمل می‌آورد (ساعد، همان). با توجه به این تعریف اقدامات متقابل، اقداماتی اند که ارتباطی با مخاصمات مسلحانه نداشته و ماهیت غیرقهری دارند. یعنی رفتار «غیردوستانه‌ای» که با تعهدات بین‌المللی دولتی که به آن مبادرت ورزیده است، مغایر نیست حتی اگر در واکنش به یک فعل متخلفانه بین‌المللی

صورت گیرد. چنین اعمالی ممکن است شامل ممنوعیت یا محدودیت در روابط دیپلماتیک عادی و یا دیگر تماس‌ها، تحریم‌های گوناگون، یا قطع برنامه‌های کمک داوطلبانه شود (ابراهیم گل، پیشین: ۲۸۵). با توجه به تعاریف فوق از اقدامات متقابل، به چند ویژگی این اقدامات می‌تواند اشاره کرد:

۲.۱- ویژگی‌های اقدامات متقابل

۱. اقدامات متقابل، اقدامات غیر قهری اند؛
۲. ارتباطی با مخاصمات مسلحانه ندارند؛
۳. در حالت عادی ممنوع اما در صورت فعل متخلفانه یا نقض تعهد از جانب کشوری مشروع می‌باشد.

۲.۲- شرایط اقدامات متقابل

از آنجا که اقدامات متقابل در حالت عادی (عدم نقض یک تعهد) غیر قانونی می‌باشند و صرفاً در صورت وجود نقض یک تعهد بین‌الملل مجاز می‌باشند، بنابراین حقوق بین‌الملل یک سلسله شرایط و محدوده‌های برای آن مقرر می‌دارد که هنگام توسل به این اقدامات باید مطمح نظر قرار گیرند.

۱- تناسب

یکی از این شرایط، رعایت قاعده تناسب می‌باشد. اقدامات متقابل باید با زیان وارده متناسب باشند و با توجه به شدت فعل متخلفانه بین‌المللی و حقوق مورد بحث انجام شوند (طرح مسوولیت، ۲۰۰۱، ماده ۵۱). تناسب یک شرط پذیرفته شده در اتخاذ اقدامات متقابل است که به طور گسترده در رویه دولت‌ها، دکترین و رویه قضائی به رسمیت شناخته شده است. تناسب معیاری برای یک اقدام مطمئن به شمار می‌آید؛ زیرا اقدامات متقابل نا متناسب می‌تواند به مسوولیت دولتی منجر شود که به چنین اقداماتی مبادرت ورزیده است (ابراهیم گل، پیشین: ۳۰۰). البته قاعده تناسب در حقوق مسوولیت دولت‌ها بیانگر آن است که اقدام متقابل «هم وزن زیان وارده باشند و شدت عمل متخلفانه بین‌المللی و حقوق مورد نظر را رعایت کنند» (اشمیت، پیشین: ۳). البته تناسب در اینجا به معنی تناسب کمی و متجانس نیست. یعنی اینکه هرچند معمولاً در مقابل نقض یک تعهد باید یک تعهد را به حالت تعلیق در آورد، لیکن ممکن است اقدامات متقابل شامل نقض چند تعهد باشد. به همین دلیل در بند ۲ ماده ۴۹ طرح مسوولیت، هنگام صحبت از اقدامات متقابل، از تعهدات به صورت جمع یاد شده است. از طرف دیگر هیچ لزومی به وحدت موضوع میان تعهدات نقض شده در مقام تخلف بین‌المللی و تعلیق شده در مقام اقدام متقابل وجود ندارد. دولت زیان دیده می‌تواند در مقام توسل به اقدامات متقابل به تعلیق تعهداتی غیر از تعهدات نقض شده بنماید. (ساعد، پیشین: ۶۵۷). باتوجه به این بیان، آنچه که در اصل تناسب مطمح نظر است، تناسب در شدت و آثار عمل متخلفانه بین‌المللی با شدت و آثار اقدامات متقابل می‌باشد نه اقدامات متقابل مشابه و متجانس.

۲- اجرای اقدامات متقابل تنها علیه دولت مسوول

بر اساس بند ۱ ماده ۴۹ طرح مسوولیت دولت‌ها، اقدامات متقابل (تنها) باید علیه دولت مسوول فعل متخلفانه صورت گیرد تا او را به پیروی از تعهداتش به توقف آن فعل و جبران خسارت وادار کند. کاربرد واژه «تنها» در بند ۱ ماده ۴۹ هم بر مقصد اقدامات مقابل و هم بر هدف آنها اعمال می‌شود. لذا اقدامات

متقابل تنها علیه دولت مباشر فعل متخلفانه بین‌المللی قابل انجام است نه علیه دولت‌هایی دیگر. در صورتی که دولتی به اقدامات متقابل مبادرت می‌ورزد و در قبال یک دولت ثالث، تعهد بین‌المللی داشته و تعهد مزبور با اقدام متقابل نقض شود، متخلفانه بودن این اقدام در قبال دولت ثالث همچنان باقی است. (ابراهیم گل، پیشین: ۲۸۹). البته این بدان معنی نیست که اقدامات متقابل نمی‌توانند به صورت ضمنی بر موقعیت دولت‌های ثالث یا در واقع دیگر اشخاص تأثیر بگذارند. برای مثال اگر دولت زیان دیده مطابق بند ۱ ماده ۴۹ حقوق ترانزیت را در قبال دولت مسؤول را معلق کند، دولت‌های ثالث نیز ممکن است از آن متأثر شوند. اگر آنها هیچ حق شخصی در این مورد نداشته باشند، نمی‌توانند از این بابت شکایت کنند. (همان: ۲۹۰). پروفیسور جیمز کرافورد در توضیح این نکته به رأی محکمه بین‌المللی در خصوص پروژه «ناجی موریس» استناد کرده است. عبارت رأی محکمه آن است که اقدام متقابل باید علیه همان دولت صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد این بند از رأی دلالت بر این دارد که اقدام متقابل فقط علیه دولت مسؤول باشد و نه دولت دیگر، اما اینکه چه کسی می‌تواند اقدام کند، معین نشد است.

۳- در خواست برای پابندی بر تعهدات و اطلاع دهی به دولت متخلف از اقدامات متقابل

دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت می‌ورزد (زیان دیده)، باید پیش از توسل به اقدامات متقابل، از دولت مسؤول بخواهد تا تعهداتش را ایفا نماید و از نقض آن دست بکشد و همچنان به او پیشنهاد مذاکره بدهد. در عین حال ممکن دولت زیان دیده برای حراست از حقوق چنان اقدامات متقابل فوری را که ضرورت است اتخاذ کند. لذا دولت زیان دیده تصمیم به اقدامات متقابل را به دولت مسؤول اطلاع دهد که در صدد انجام این کار است تا فرصت دست کشیدن از عمل متخلفانه برای دولت مسؤول فراهم شود (طرح مسؤولیت، ۲۰۰۱، ماده ۵۲). منظور از ضرورت در اینجا معنی متفاوت از (ضرورت در بحث دفاع مشروع) دارد. وضعیت‌هایی که اقدام بر این پایه را مجاز می‌سازند، به شدت نادر اند. به عنوان مثال، حک کردن متقابل در واکنش به عملیات سایبری خصمانه‌ای که زیر ساخت‌های سایبری حیاتی را هدف قرار می‌دهد. حتی اگر چنین کاری زیر ساخت سایبری در دولت دیگر را از کار بیندازد که عملیات خصمانه یاد شده به آن قابل انتساب نباشد و از این طریق حاکمیت آن دولت نقض شده باشد، برای دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت کرده، بنابر ضرورت، مسؤولیت ایجاد نمی‌شود (اشمیت، پیشین: ۳).

۴- مؤقتی بودن اقدامات متقابل

اقدامات متقابل محدود به عدم اجرای مؤقت تعهدات بین‌المللی دولتی است که در مقابل دولت مسؤول به چنین اقداماتی مبادرت می‌ورزد (طرح مسؤولیت، بند ۲ ماده ۴۹). این بند بیانگر مؤقتی بودن این اقدامات و عکس‌العمل‌ها می‌باشد، هدف از این بیان، اعاده وضع مشروع میان دولت‌های زیان دیده و مسؤول است، نه ایجاد یک وضعیت جدید که قابل اصلاح نیست. لذا دولت زیان دیده در اتخاذ اقدامات متقابل، عملاً به مدت کوتاهی از اجرای یک یا چندین تعهد بین‌المللی خویش در برابر دولت مسؤول خودداری می‌کند. اگرچه اقدامات متقابل معمولاً در قالب عدم اجرای یک تعهد واحد انجام می‌شود، اما ممکن است که یک اقدام خاص به طور همزمان، اجرای چندین تعهد را تحت تأثیر قرار دهد، از اینرو بند ۲ از «تعهدات» به صیغه جمع سخن می‌گوید. به عنوان مثال: مسدود کردن دارایی‌های دولت می‌تواند

موجب نقض چندین تعهد در قبال آن دولت به موجب موافقتنامه‌ها شود. ازین رو یک فعل واحد می‌تواند بر تعهدات متفاوت و همزیست تاثیر بگذارد. اگر هدف از اقدامات متقابل توقف تخلف و جبران خسارت باشد، پس باید به محض تحقق این شرایط، اقدامات مذکور متوقف گردند (ابراهیم گل، پیشین: ۲۹۱). چنانچه در بالا بیان شده است. در بند ۲ ماده ۴۹ از اقدامات متقابل و تدابیر به عنوان «عدم اجرا» و در نتیجه با وصف منفی و سلبی یاد شده است در حالی که به نظر می‌رسد که این اقدامات، تدابیر یا عکس‌العمل‌ها، هم اقدامات متقابل مثبت و هم منفی را در بر می‌گیرد، چون معنای معمولی واژه اقدامات (MEASURES) بیانگر جنبه مثبت اند (ساعد، پیشین: ۶۵۷).

۵- اقدامات متقابل تداوم‌اجرای معاهده را ممکن سازد

بند ۳ ماده ۴۹ یکی از دیگر شرایط اقدامات متقابل را بیان می‌کند. این بند با تصریح اینکه اقدامات متقابل باید تا حد امکان به گونه‌ای انجام شوند که تداوم اجرای تعهد مورد بحث را ممکن سازد، سعی بر آن دارد تا اقدامات متقابل نباید منجر به از بین رفتن تعهد شود، بلکه در راستای اجرای بهتر آن باشد. این شرط به نحوی در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات نیز تصریح یافته است که بیان می‌دارد: «در دوره تعلیق (معاهده)، طرفهای معاهده باید از انجام اقداماتی که مانع از سرگیری اجرای معاهده می‌شود، استنکاف ورزند» (کنوانسیون وین، ۱۹۶۹: بند ۲ ماده ۷۲). با توجه به این ماده می‌توان گفت دولت‌ها باید تا حد امکان به اقدامات متقابلی دست زنند که قابل برگشت باشند. عبارت «تا حد امکان» در بند ۳ ماده ۴۹ طرح مسؤولیت حاکی از آن است که اگر دولت زیان دیده بین تعدادی از اقدامات متقابل مؤثر و قانونی مخیر باشد، باید آن یکی را انتخاب کند که امکان تداوم اجرای تعهدات معلق شده در نتیجه اقدامات متقابل را میسر سازد (ابراهیم گل، پیشین: ۲۹۲).

۲.۳- محدودیت‌های اقدامات متقابل

اقدامات متقابل که در برابر عمل متخلفانه بین‌المللی صورت می‌گیرد بی حد و حصر نبوده، لذا دارای یک سلسله محدودیت‌هایی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تعهد به عدم تهدید یا توسل به زور آن گونه که در منشور ملل متحد آمده است؛ ممنوعیت اقدامات متقابل قهری یا مبتنی بر زور در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق منشور نیز آمده است که از آن طریق مجمع عمومی اعلام کرد که «دولتها مکلف اند از توسل به اقدامات تلافی‌جویانه که متضمن توسل به زور باشد خودداری کنند» این ممنوعیت در دکترین رایج و همچنین در تعدادی از تصمیمات مراجع قضائی بین‌المللی نیز پذیرفته شده است (همان: ۲۹۴).
۲. تعهدات مربوط به حمایت از حقوق بنیادین بشری؛ مؤسسه حقوق بین‌الملل در قطنامه ۱۹۳۴ خویش بیان کرد که اقدامات متقابل دولت نباید در تعارض با قواعد حقوق بشری و وجدان عمومی باشد. در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و در پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ و نیز رأی دیوان محکمه بین‌المللی عدالت در خصوص مشروعیت اقدام اسرائیل در احداث دیوار حائل، این موضوع مورد تأکید قرار گرفت (دهقی، پیشین: ۱۱۲).

۳. تعهدات با ماهیت بشردوستانه که اقدامات تلافی‌جویانه را منع می‌کنند؛ وقتی مباحث بشردوستانه مطرح می‌شوند این مباحث مستقیماً ارتباط پیدا می‌کنند با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، لذا این شرط که به تعهدات حقوق بشردوستانه در ارتباط با اقدامات تلافی‌جویانه می‌پردازد و از بند ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین الگوبرداری شده است، بیانگر ممنوعیت اساسی اقدام تلافی‌جویانه علیه اشخاص غیر نظامی است که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد (ابراهیم گل، پیشین: ۲۹۵).

۴. تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام؛ طبق این قاعده، اقدامات متقابل که تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام را تحت تأثیر قرار می‌دهند منع می‌باشند. آشکار است که یک قاعده آمره که حتی با یک معاهده بین دو دولت نمی‌توان از آن تخطی کرد به طریق اولی با عمل یک جانبه یک دولت در قالب اقدامات متقابل قابل تخطی نیست، در صورت تخطی می‌تواند طبق مواد ۴۰ و ۴۱ طرح مسؤولیت منجر به فشارها و اقدامات متقابل جمعی دولت‌های دیگر علیه این دولت (ناقص) شود (ساعد، پیشین: ۶۵۶).

۵. تعهدات ناشی از هرگونه حل و فصل اختلافی که میان او و دولت مسؤول قابل اعمال باشد؛ این قاعده به منظور حفظ مجاری ارتباط و تماس میان دو دولت است، البته این قاعده تنها به شیوه حل و فصل اختلافی اشاره دارد که به اختلاف مورد نظر مرتبط اند و به دیگر موارد غیر مرتبط یا اختلافات در موضوعات دیگر کاری ندارد (ابراهیم گل، پیشین: ۲۹۷). منظور اینست که اگر اقدامات متقابل یک دولت علیه دولت مسؤول، تعهدات این کشورها را در ارتباط به حل و فصل همین اختلاف پیش آمده تحت تأثیر قرار داده و تعلیق کند دیگر راهی برای تحقق هدف اقدامات متقابل باقی نمی‌ماند، زیرا هدف اولیه در اقدامات متقابل درخواست برای دست کشیدن دولت خاطی یا مسؤول از نقض تعهدات و یا پیشنهاد مذاکره برای اوست، هرگاه میکانیسم‌های مذاکره و حل و فصل خود این اختلاف، در اثر اقدامات متقابل مسدود شود، دیگر هدف اقدامات متقابل منتفی است هیچ راه حلی باقی نمی‌ماند. لذا این اصل پذیرفته شده است که مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات معتبر تلقی شود، حتی اگر در معاهده‌ای درج شده باشد که خود آن محل اختلاف بوده و تداوم اعتبار یا تأثیر آن در معرض تردید است. (همان: ۲۹۸).

۶. رعایت و احترام به مصونیت کارکنان، اماکن، آرشیف‌ها و اسناد دیپلماتیک و کنسولی. اگر دولت زیان دیده در سطوح مختلفی اقدام کند مثل اینکه دیپلماتی را عنصر نامطلوب اعلام کند، روابط دیپلماتیک را معلق یا قطع کند، سفرایش را در وضعیت‌هایی که در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به روابط دیپلماتیک به کشورش فراخواند؛ چنین اعمالی به اقدامات متقابل در مفهوم این قاعده منجر نمی‌شود. لذا این قاعده به تعهداتی محدود است که هدف آنها تضمین سلامت جسمی و عدم تعرض (شامل مصونیت قضائی) به کارکنان دیپلماتیک، اماکن، آرشیف‌ها و اسناد در هر شرایطی از جمله در مخاصمات مسلحانه

است. این مدعی با اندکی تغییرات بر مقامات کنسولی نیز قابل اعمال است (همان: ۲۹۹) لذا اقدامات متقابل نباید چنین تعهداتی را تحت تأثیر قرار دهد.

۲.۴- موارد ممنوعیت یا توقف اقدامات متقابل

طبق بند ۳ ماده ۵۲ در موارد ذیر نمی‌توان به اقدامات متقابل متوسل شد و یا اگر چنین اقداماتی از قبل آغاز شده باشد باید بدون تأخیر غیر موجه متوقف شوند:

۱. هرگاه فعل متخلفانه بین‌المللی متوقف شده است. یعنی کشور متخلف دست از چنین کاری برداشته است
۲. اختلاف نزد یک محکمه یا مرجع دیگری مطرح شده که برای اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا برای هر دو طرف صلاحیت دارد. در این موارد باید اقدامات متقابل متوقف شوند.
۳. هرگاه دولت مسؤول در اجرای میکانیسم حل و فصل اختلافات حسن نیت نداشته و قصور کند موارد مذکور قابل اعمال نمی‌باشد (طرح مسؤولیت، ۲۰۰۱: بند ۴ ماده ۵۲).

در تطبیق حمله ایران علیه اسرائیل با مفهوم اقدامات متقابل باید اذعان داشت، همان‌طور که در بالا ذکر گردید اولین شرط اقدامات متقابل «نقض یک تعهد» است. یعنی اقدامات متقابل زمانی مطرح است که دولت مسؤول، یک تعهد معاهداتی یا سایر تعهداتی را که طبق حقوق بین‌الملل به رعایت آن ملزم بوده، نقض کرده باشد. در این حالت دولت زیان‌دیده به منظور واداشتن دولت متخلف به اجرای تعهداتش و یا حتی وادار نمودن آن به جبران خسارت، دست به اقدامات متقابل میزند.

اسرائیل با حمله به کنسولگری ایران در دمشق، اولین شرط اقدامات متقابل را که (نقض تعهد) می‌باشد، محقق نمود، زیرا حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق نقض آشکار یک تعهد معاهداتی ناشی از منشور سازمان ملل (ممنوعیت توسل به زور) و نقض تعهد عرفی و معاهداتی (مصونیت اماکن دیپلماتیک و کنسولی) ناشی از کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در مورد روابط کنسولی می‌باشد؛ اما از آنجا که شرط دوم اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل «غیر قهری بودن» این اقدامات است، در حالی که حملات ایران به اسرائیل اقدامات کاملاً قهری و نظامی بوده و با استفاده از موشک‌ها و پهبادها صورت گرفته است، از این جهت نمی‌توان آنرا اقدامات متقابل عنوان کرد؛ زیرا در مباحث قبلی اذعان شد که اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل معاصر صرفاً اقدامات غیرقهری اند مانند قطع روابط دیپلماتیک، تعلیق اجرای یک معاهده و غیره و به هیچ عنوان نمی‌توان اقدامات قهری یک دولت را در حقوق بین‌الملل معاصر در زمره اقدامات متقابل قرار داد. بناءً با توجه به شرایط و مباحث فوق چنین استنتاج می‌گردد که حملات ایران علیه اسرائیل در قالب مفهوم اقدامات متقابل نیز نمی‌کنجد و باید آنرا در قالب اصطلاح دفاع مشروع بررسی کرد.

۳- دفاع مشروع در حقوق بین الملل

علی رغم آنکه در حقوق بین الملل بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل اصل بر ممنوعیت توسل به زور است، اما ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد حق دفاع مشروع را همچون استثنایی بر اصل ممنوعیت توسل به زور به عنوان حق ذاتی دولت ها به رسمیت شناخته و بیان می‌دارد: «اگر حمله مسلحانه‌ای علیه یکی از اعضای سازمان ملل صورت پذیرد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع اعم از فردی یا جمعی لطمه نخواهد زد. اعضا باید اقداماتی را که در مقام دفاع مشروع به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند.» یعنی در صورتی که حمله مسلحانه‌ای صورت گرفته باشد، دفاع مشروع مجاز است و ماده ۵۱ منشور دفاع مشروع را صرفاً در این مورد می‌پذیرد (والاس، پیشین: ۴۰۳). لذا دفاع مشروع به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، به کشور مورد تجاوز حق می‌دهد تا به فوریت در مقام تهاجم مسلحانه کشور یا کشورهای دیگر با هر وسیله ممکن (با رعایت شروط)، متوسل به زور شده و با دفاع از خود دشمن تجاوزگر را سرکوب کند که این دفاع می‌تواند فردی یا جمعی باشد. امروزه دفاع مشروع به منزله یک اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده بین ملت‌های متمدن است که اعمال آن خارج از هر گونه صلاحیت قراردادی قابل پذیرش است (بیگدلی، ۱۳۸۷: ۵۴۴).

باید توجه داشت که اعمال حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل با جنگ ارتباط نداشته و با اعلامیه جنگ یا اجرای جنگ مرتبط نیست. چنانچه در مخاصمه فالکلند، وزیر امور خارجه بریتانیا، اظهار داشت بریتانیا در جنگ با آرژانتین نیست، اما حق دفاع مشروع شناخته شده توسط ماده ۵۱ منشور ملل متحد را اعمال می‌نماید. قبل از این پیشنهاد شده بود که کشوری که اعلام جنگ می‌کند، حق خود را در توسل به زور افزایش می‌دهد. اگر این کشور حق توسل به زور بر اساس دفاع مشروع را داشت، حق دفاع مشروع مبنای قانونی اقدامات وی خواهد شد و تابع یک سلسله محدودیت‌هایی قرار می‌گیرد که از حق دفاع مشروع به ویژه الزامات ناشی از ضرورت و تناسب ناشی می‌شود (فلک، پیشین: ۷۵). این مفهوم تداعی گر دو موضوع می‌باشد: اولاً این دفاع مشروع فقط در حالت یک حمله مسلحانه مطرح است، نه در جریان جنگ یا مخاصمات مسلحانه. ثانیاً استناد و استفاده از دفاع مشروع، دولت مورد نظر را محدود به یک سلسله شرایط و ضوابطی می‌سازد که در جنگ چنین شرایط و ضوابطی وجود ندارد. با توجه به موارد فوق لازم است تا هر یک از اجزا و شرایط دفاع مشروع به صورت مجزا مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا اولاً تفاوت دفاع مشروع با اقدامات تلافی‌جویانه و اقدامات متقابل آشکار گردد، ثانیاً چگونگی حمله ایران به اسرائیل در قالب هر یک از اجزای مورد بررسی قرار گیرد تا دیده شود که آیا ایران می‌تواند برای توجیه حملاتش به دفاع مشروع استناد کند یا خیر؟

۳.۱- شرایط دفاع مشروع

یک/ احراز یا وقوع حمله مسلحانه

طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد که بیان می‌دارد: «در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بعمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع انفرادی یا دسته جمعی اعضاء لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.» یکی از اساسی‌ترین شرایط توسل به دفاع مشروع محرز و مسلم بودن حمله مسلحانه یا تجاوز مسلحانه است. به این معنی که تجاوز یا حمله مسلحانه صورت گرفته باشد و این حمله عینیت یا تجلی خارجی پیدا کرده باشد (بیگدلی، ۱۳۸۷: ۵۴۴). این امر بیانگر اینست که هرگونه حمله پیشگراانه در این زمینه فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع محسوب نمی‌شود. بنابر این، طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دفاع مشروع حتماً باید مسبوق به حمله مسلحانه باشد. اقدامات ایدئولوژیک فرهنگی یا اقتصادی اساساً تجاوز محسوب نمی‌شوند (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). از آنجا که دفاع مشروع مرتبط به وقوع حمله یا تجاوز است، لذا این مسئله به وجود می‌آید که تجاوز چیست؟ ماده ۱ قطعنامه شماره ۳۳۱۴ تحت عنوان «قطعنامه تعریف تجاوز»، تجاوز را اینگونه تعریف نموده است: «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح به وسیله یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، به گونه‌ای که در این تعریف آمده است». طبق این تعریف هرگاه تجاوز از طریق کاربرد نیروی مسلح صورت پذیرد مشمول این تعریف که طبق قطعنامه ۳۳۱۴ بر آن توفیق شده، قرار خواهد گرفت. نکته مهم دیگر در مورد این تعریف این است که نیروی مسلح باید توسط یک دولت علیه دولت دیگر به کار برده شود و این ماده آشکار می‌کند که تجاوز تنها خصلت خارجی دارد و اقدامات مسلحانه داخلی دولت‌ها را شامل نمی‌شود، این کاربرد نیروی مسلح باید علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، یا استقلال سیاسی دولت دیگر باشد. آخر ماده ۱ قطعنامه تعریف تجاوز که مقرر می‌دارد «... یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، آنچنان که در این تعریف آمده است»، در کوشش به انطباق تعریف با منشور تهیه شده است. این عبارت برای تضمین کاربرد مجاز نیروی مسلح طبق منشور، مانند دفاع از خود، آورده شده تا چنین اقدامی تجاوز تلقی نشود (طارم‌سری، ۱۳۶۹: ۳۰).

همچنان محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا در خصوص حمله مسلحانه بیان داشت: «نه تنها عملی که توسط نیروهای مسلح معمول یک کشور خارجی در مرزهای بین‌المللی انجام می‌پذیرد، بلکه اعزام گروه‌های مسلح، تشکیلات یا سربازان مزدور از جانب کشور یا به نیابت از آن جهت انجام اقدامات مسلحانه در کشور دیگر را نیز شامل می‌شود (امیدی، پیشین: ۲۴۷). افزون بر سرزمین یک دولت، نکته‌ای که ظاهراً به نظر می‌رسد مورد قبول باشد، اینست که کشتی‌های جنگی، هواپیماهای نظامی یا سربازان یک دولت در کشورهای خارجی، در حکم حمله به آن دولت خواهد بود (فلک، پیشین: ۲۰).

دو) وجود ضرورت (Necessity)

ضرورت به این معنی است که دولت هیچ راه یا پاسخ موثر دیگری برای جلوگیری از حمله مسلحانه ندارد، به جز متوسل شدن به زور در قالب دفاع مشروع. به این معنی که دولت قبل از اینکه از حق دفاع مشروع استفاده کند. ابتدا باید سایر گزینه‌های غیر زورمندانه مانند استفاده از راه‌های دیپلماتیک، غرامت و غیره را بررسی کند. برای احراز ضرورت دفاع مشروع لازم است دولت مدعی دفاع نشان دهد که دفاع، تنها راه موجود برای دفع حملات مسلحانه به خود می باشد.

رعایت عنصر ضرورت، مستلزم تایید این امر است که درگیری را نمی توان از طریق اقدامات مسالمت آمیز حل کرد. بر اساس شواهد اثبات شده، باید فرض کرد که یک حمله مسلحانه قریب الوقوع است و نیاز به پاسخ دارد و باید به دفاع مشروع متوسل شد. در وضعیت‌های حملات مسلحانه منتج به اشغال و دیگر اشکال درگیری‌های مداوم، ضرورت به سهولت قابل احراز است. با این همه، در وضعیت‌هایی که حمله- مسلحانه‌ای دفعه واحده واقع شده و یا سلسله حملاتی با شدت کمتر در فواصل زمانی انجام می‌شود، اثبات ضرورت دشوار است. در چنین شرایطی بررسی وقایع هر پرونده ضروری بوده و لازم است نشان داده شود که حمله بعدی قریب-الوقوعی در انتظار دولت است. در صورت حمله بازیگران غیردولتی، دولتی که به دنبال دفاع از خود است، باید بررسی کند که آیا دولت سرزمینی می‌تواند اقدامات مناسب را برای جلوگیری از حمله بیشتر انجام دهد یا خیر. به عبارت ساده، ضرورت به این معنی است که استفاده از زور برای دفاع از خود باید تنها در صورتی مورد استفاده قرار گیرد که پس از خستگی از تمام راه حل‌های موجود "ضرورت" محقق باشد (Dahal, 2020: 1112).

اگر منطقی‌توان حملات بیشتری را انتظار داشت، سوال این خواهد بود که آیا اقدامات غیر زورمندانه‌ای مانند مذاکره یا ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل وجود دارد که بتوان در این شرایط به طور موثر از چنین حملاتی جلوگیری کند؟

باید گفت در وضعیت‌های حملات مسلحانه‌ی منتج به اشغال و دیگر اشکال درگیری‌های مداوم، ضرورت به سهولت قابل احراز است، اما در وضعیت‌هایی که حمله مسلحانه‌ای دفعه واحده واقع شده و یا سلسله حملاتی با شدت کمتر در فواصل زمانی انجام می‌شود، اثبات ضرورت دشوار است (عبداللهی و رشیدی، ۱۴۰۳: ۲). لذا با توجه به خطراتی که انتظار می‌رود، کشورها باید منطقی عمل کنند، به عنوان مثال، همانطور که یورام دینشتاین (Yoram Dinstein) اشاره کرده است، «ضرورت» به این معنی نیست که دولت زیان دیده باید خود را در چرخه طولانی مذاکرات گرفتار کند. چنانچه قبلاً گفته شد، اگر دولت قربانی منطقی و طبق یک سلسله شواهد به این نتیجه برسد که اقدامات غیر زورمندانه بی ثمر هستند، معیار ضرورت محقق شده است. لزومی ندارد که این دولت پیش از اقدام دفاعی، تا زمان انجام حملات آتی برای اثبات صحت پیش‌بینی خود منتظر بماند. این اقدام دفاعی، پاسخ یا واکنشی به عملیات جاری در سطح یک حمله خواهد بود (Schmitt, 2024: Para 11). در این حالت ضرورت دفاع مشروع مبتنی بر این است که چه اقداماتی برای جلوگیری از حمله نیاز است تا روی دست گرفته شود و چنانچه گفته شد هیچ الزامی ندارد که دولت قربانی قبل از اقدام مسلحانه تمام اقدامات یا راه‌های غیر

مسلحانه را امتحان کرده باشد، بلکه همینقدر که با حسن نیت و بر اساس حقایق موجود تشخیص دهد که دفع حمله صورت گرفته به طریق غیرمسلحانه امکان پذیر نیست و چاره‌ای جز توسل به زور وجود ندارد، بسنده خواهد بود. (طراز کوهی، ۱۳۹۱: ۷).

باید توجه داشت که ضرورت در دفاع مشروع نسبت به ضرورت در مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها (ماده ۲۵ طرح مسؤولیت) متفاوت می‌باشد. ضرورت در دفاع مشروع یک نهاد یا بخش مستقل نبوده بلکه یکی از ارکان دفاع مشروع می‌باشد در حالی که ضرورت در حقوق مسؤولیت دولت‌ها خود یک نهاد حقوقی مستقل و از شرایط رافع وصف متخلفانه بودن رفتار دولت‌ها می‌باشد (طراز کوهی، ۱۳۹۱: ۷).

سه) تناسب (Proportionality)

از شرایط دیگر اعمال دفاع مشروع اینست که میان عمل تجاوز و دفاع مشروع تناسب وجود داشته باشد. اساساً تعیین اینکه تجاوزی صورت گرفته است یا خیر، در اختیار شورای امنیت است و در صورت بروز تجاوز، باید دفاع مشروع متناسب با تجاوز باشد. بنابر این، اگر تجاوز فقط در حد یک درگیری کوچک مرزی باشد، نباید دفاع در برابر آن به گونه‌ای باشد که به تخریب عمده در برابر کشور متجاوز منتهی شود (امیدی، پیشین: ۲۴۸). لذا این عنصر میزان استفاده از زور در برابر یک حمله مسلحانه را اندازه‌گیری می‌کند.

تناسب به این معنی است که استفاده از زور در مقام دفاع باید محدود به خنثی‌سازی یا ازبین بردن تهدید یا حمله مسلحانه باشد و نه بیش از اندازه حمله. همچنان معیار یا عنصر تناسب در دفاع مشروع، نوع سلاح‌های مورد استفاده در پاسخ به یک حمله مسلحانه را در نظر دارد. اما در عین حال، لازم نیست که سلاح‌های مورد استفاده برای دفاع از خود همان سلاح‌های حمله باشد (Dahal, Ibid). با توجه به این بیان، منظور از تناسب این نیست که دولتی که در مقام دفاع مشروع قرار دارد، نباید بیشتر از زوری که علیه او اعمال شده، استفاده کند. چنین قاعده‌ای در عمل بی‌معناست. بطور مثال؛ برای بریتانیا ممکن نبود که پس از حمله آرژانتاین به جزایر فالکلند در سال ۱۹۸۲، این جزایر را تنها با استفاده از همان میزان زوری که آرژانتاین استفاده کرده بود باز پس گیرد، چرا که آرژانتاین به مراتب نیروی نظامی بیشتری از نیروهای نظامی بریتانیا در جزایر مذکور مستقر نموده بود. (فلک، پیشین: ۲۳) معیار صحیح همان است که «سرهامفری والداک» بیان داشته است. به باور وی توسل به زور برای دفاع مشروع باید صرفاً محدود به هدف متوقف ساختن یا جلوگیری از آسیب و لطمه (به حقوق دولت مدافع) بوده و به طور معقول با آن چه که برای نیل به این هدف ضرورت دارد، متناسب باشد. در قضیه فالکلند بریتانیا مجاز بود تا از چنین نیروی نظامی استفاده کند، چرا که ضرورت داشت جزایر را پس گرفته و امنیت آن‌ها را در برابر حملات بعدی تضمین کند (فلک، پیشین: ۲۳). استنتاج بیان اینکه تناسب در دفاع مشروع بیشتر ناظر بر هدف و تاثیر دفاع مشروع است نه بر تعداد، مقدار یا نوعیت وسیله دفاع.

چهار) فوریت (Immediacy)

فوریت به این معنی است که پاسخ به یک حمله مسلحانه باید فوری باشد. با این حال، نظریه فوریت را نمی‌توان به صراحت روشن کرد، زیرا ممکن است مدتی طول بکشد تا مقامات دولتی برای پاسخ به

یک حمله مسلحانه تصمیم بگیرند. بنابراین، استفاده از زور با تأخیر هم می‌تواند قانونی باشد اگر تأخیر به طور عینی توجیه شده باشد.

رویه دولت‌ها حاکی از آن است که یک پاسخ منطقی با تأخیر پذیرفتنی است، در جایی که هویت مهاجم نیاز به جمع‌آوری اطلاعات داشته و نیروهای نظامی دولت نیاز به دستور لازم برای حمله به شیوه هدفمندی دارند (Dahal, Ibid: 1113).

پنج) اطلاع‌رسانی فوری به شورای امنیت (Report to the Security Council)

از شرایط دیگر دفاع مشروع آن است که دولت مدافع، طبق ماده ۵۱ منشور هر اقدامی که در دفاع از خود انجام می‌دهد، باید فوراً به شورای امنیت گزارش دهد. این ماده در منشور ذکر شده است تا جامعه بین‌المللی بتواند ارزیابی کند که آیا یک حمله مسلحانه رخ داده است یا خیر، و همچنان ارزیابی شود که آیا اقدامات انجام شده توسط دولت قربانی در دفاع از خود عناصری مانند ضرورت، تناسب و فوریت را برآورده کرده است یا خیر (Dahal, Ibid). این شرط از این جهت بیان شده است تا از اقدامات خود سرانه دولت‌ها جلوگیری شود و چنانچه گفته شد، شورای امنیت اقدامات صورت گرفته را برای حفظ صلح و امنیت کشور قربانی تجاوز مقتضی بداند (امیدی، پیشین: ۲۴۸).

گزارش به شورای امنیت یک مفهوم کاملاً جدید است که هیچ ریشه‌ای در حقوق بین‌الملل عرفی ندارد. محکمه بین‌المللی عدالت در مورد نیکاراگوئه بیان داشته است که برای دولت قربانی مهم است که دفاع از خود را به شورای امنیت گزارش دهد تا به طور قانونی استفاده از زور را توجیه کند (Dahal, Ibid).

۳.۲- تطبیق حمله ایران به اسرائیل در قالب مفهوم دفاع مشروع

قبل از بررسی حمله ایران به اسرائیل در قالب دفاع مشروع، یک بار دیگر اذعان باید کرد که دفاع مشروع ارتباطی با جنگ و مخاصمات مسلحانه ندارد. مخاصمات مسلحانه و طرفین آن تابع قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهد بود در حالی که دفاع مشروع در زمان غیر از جنگ مطرح بوده و تابع یک سلسله شرایط مخصوص مانند تناسب، ضرورت، اطلاع‌دهی و... است که اگر آن شرایط محقق نباشد استناد به دفاع مشروع ممکن نیست، لذا حمله ایران در قالب مفهوم دفاع مشروع را در مطابقت با هریک از این شرایط بررسی می‌نمایم:

۱. وقوع حمله مسلحانه: شرط اول برای دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل وقوع حمله مسلحانه است. لذا نیاز است تا دیده شود که آیا حمله به کنسولگری ایران واجد وصف حمله مسلحانه است یا خیر؟ برای احراز این موضوع لازم به نظر می‌رسد تا ابتدا عامل حمله معلوم گردد و سپس به چگونگی حمله و تطابق آن با دفاع مشروع پرداخته شود.

در مورد اینکه حمله بر کنسولگری ایران در سوریه توسط اسرائیل انجام شده است هرچند که هیچ اعلامیه رسمی مبنی بر پذیرش این ادعا از سوی اسرائیل به نشر نرسیده است، اما وجود برخی از شواهد و مدارک و بیان حاکی از آن است که حمله سیزدهم حمل ۱۴۰۳ بر ساختمان کنسولگری ایران در سوریه توسط اسرائیل صورت گرفته است.

طبق گزارش‌های منتشره، اولاً حمله بر ساختمان کنسولگری ایران در سوریه توسط طیاره های اف-۳۵ اسرائیلی صورت گرفته است. (shayanews.com:12/Apr/2024/ 192870) ثانیاً در کمتر از یک روز پس از حمله هوایی بر کنسولگری ایران در دمشق که منجر به کشته شدن و زخمی شدن تعداد از افراد از جمله فرماندهان عالی رتبه ایرانی گردید، یوآو گالات، وزیر دفاع اسرائیل گفت: « اسرائیل تلاش می‌کند برای همه کسانی که در خاورمیانه علیه ما اقدام می‌کنند، روشن کند که بهای اقدام علیه اسرائیل بهای سنگینی خواهد بود.» (ynetnews.com). همچنان روزنامه امریکایی نیورک تایمز به تاریخ ۱ اپریل ۲۰۲۴ نوشت که چهار مقام اسرائیلی که نخواستند نام شان فاش شود، تأیید کردند که اسرائیل در پشت حمله در دمشق بوده است. (nytimes.com:1/Apr/2024) افزون بر این با اوج گرفتن تنش‌ها میان ایران و اسرائیل، این کشور در چند سال گذشته صدها حمله به اهداف مرتبط با ایران در سوریه انجام داده است، اما به ندرت این حملات را تأیید یا تکذیب می‌کند. (bbc.com/persian/articles:1/Apr/2024) لذا با توجه با شواهد فوق، می‌توان گفت حمله بر ساختمان کنسولگری ایران در سوریه توسط اسرائیل صورت گرفته است.

در حقوق بین‌الملل سفارت یا کنسولگری یک کشور، قلمرو کشور مأموریت محسوب نمی‌شود و این یک تصور غلط رایج است. در کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ راجع به روابط دیپلماتیک و ۱۹۶۳ در مورد روابط کنسولی نیز هیچ اشاره ای بدان نشده است، زیرا دولت‌ها آثار آنرا نمی‌پذیرند. از جمله اینکه دولت فرستنده در صورت ارتکاب جرایم در محل کنسولگری و سفارت‌خانه، بنا بر اصل صلاحیت سرزمینی به جرایم مربوطه رسیدگی نمی‌کند و یا افراد متولد شده در محل سفارتخانه یا کنسولگری بنابر اصل حاکمیت، تبعه دولت فرستنده محسوب نمی‌شوند. همچنان در قطعنامه ۳۳۱۴ تعریف تجاوز، حمله به سفارتخانه یا کنسولگری به عنوان عمل تجاوز تعریف نشده است (عزیزی، ۲۰۲۴).

اما در زمینه تطبیق حمله سیزدهم حمل ۱۴۰۳ اسرائیل به سفارت ایران در سوریه، با تعریف و مصادیق مندرج در قطعنامه تعریف تجاوز باید اذعان کرد که هرچند حمله به اماکن دیپلماتیک و کنسولی از جمله مصادیق مندرج در قطعنامه نیست، اما از سویی هم مصادیق مندرج در این سند، حصری نیست (عبداللهی و رشیدی، پیشین: ۱). از سوی دیگر، تعریف ماده ۱ این قطعنامه تاحدی ما را در تشخیص تجاوز یا حمله مسحانه کمک می‌نماید. این ماده بیان می‌دارد: « تجاوز عبارت است از توسل به نیروی مسلحانه توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر... (resolution 3314) در این تعریف، اشاره به «حاکمیت» دولت، شرط «سرزمینی بودن» حمله مسلحانه را مرتفع می‌سازد. به دیگر سخن، برای تحقق حمله مسلحانه، نیازی نیست که حمله علیه سرزمین دولتی دیگر انجام شود. این برداشت، با اطلاق ماده ۵۱ منشور که صرفاً به حمله مسلحانه علیه دولت عضو، و نه سرزمین آن، اشاره می‌کند، سازگار است. همچنین برخی مصادیق ماده ۳ قطعنامه تعریف تجاوز، شامل مواردی می‌شود که قطعنامه، حمله به مواضع خارج از سرزمین یک دولت را در زمره مصادیق تجاوز به شمار آورده است. در بند (d) این ماده، حمله به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی یا ناوگان دریایی و هوایی دولتی دیگر، صرف نظر از محل، مصداق تجاوز می‌باشد. بنابراین، حمله به نیروهای مسلح یک دولت حاضر در سرزمین دولتی

دیگر، چه از سوی دولت سرزمینی که سابقاً اجازه حضور داده است و چه از طریق دولت‌های ثالث، مصداق حمله مسلحانه خواهد بود. (عبداللهی و رشیدی، پیشین: ۱)

همچنان بند (g) ماده ۳ قطعنامه تعریف تجاوز، مصادیق دیگر حمله مسلحانه را که جنبه تمثیلی دارند اینگونه تصریح می‌دارد: «اعزام یا دخالت داشتن مؤثر در اعزام دسته‌ها یا گروه‌های مسلح، خراب کاران و مزدوران برای اجرای حمله مسلحانه علیه کشور دیگر که به درجه اهمیت رسیده باشد که با اعمال احصاء شده در بندهای قبلی این ماده مطابقت داشته باشند.» لذا در این بند ماده ۳ بیشتر آثار و مقدار حمله مسلحانه مورد توجه بوده و هرگاه دولتی در اعزام گروه‌های مسلح جهت اجرای حمله مسلحانه علیه کشور دیگر دخالت مؤثر داشته و یا این که چنین دخالت و آثار آن در مقیاس قابل توجهی صورت گیرد، از نظر قطعنامه، تجاوز تلقی می‌شود. چنانچه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در تبیین مفهوم حمله مسلحانه در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ با اجتناب از تعریف مفهومی حمله مسلحانه، با ذکر مصادیقی از این حملات، ضابطه «مقیاس و آثار» (Scale and effects)، را مورد توجه قراردادده و درگیری‌های صرفاً مرزی را از شمار حمله مسلحانه خارج دانسته است (ICJ, 1986, para. 195). در این قضیه، دیوان به بند (g) ماده ۳ قطعنامه تعریف تجاوز استناد نمود که طبق آن، اعزام دسته یا گروه‌های مسلح، خرابکاران و مزدوران برای حمله مسلحانه علیه کشور دیگر را زمانی در زمره تجاوز می‌داند که به درجه اهمیت (مقیاس و آثار بیشتر) رسیده باشد. (کیتی شیاپزری، ۱۳۹۶: ۳۷۴)؛ اما در این قضیه به دلیل عدم تحقق ضابطه مقیاس و آثار آن را حمله مسلحانه در نظر نگرفت. این رویکرد توسط دیوان در قضیه کنگو علیه اوگاندا نیز مورد تکرار قرار گرفت (ICJ, 2005, para. 146). بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که قطعنامه تعریف تجاوز و مصادیق مصرح در ماده ۳ آن، دلالت‌های ارزشمندی را در تعریف و تعیین مصادیق حمله مسلحانه به دست می‌دهد. این برداشت، از سوی اکثریت قابل توجهی از دولت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است.

در قضیه ایران و اسرائیل، از آنجا که اولاً نیروهای مسلح ایران با اجازه دولت سوریه در سرزمین آن کشور، حضور دارند، طبق بند (e) ماده ۳، قطعنامه تعریف تجاوز، اگر حملات مسلحانه علیه آنها از حیث مقیاس و آثار به آستانه مورد نظر دیوان برسد، می‌تواند به عنوان حمله مسلحانه در نظر گرفته شود. طبق اطلاعات منتشره در رسانه‌های بین‌المللی، در حمله ۱۳ حمل ۱۴۰۳، کل ساختمان چند طبقه واقع در مجموعه سفارت ایران در سوریه با ۶ موشک جنگی هدف قرار گرفته و کاملاً تخریب گردیده است. همچنین در اثر این حمله، سیزده تن جان باختند که ۷ تن آنان از فرماندهان عالی رتبه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند. (بی‌بی‌سی فارسی، ۶۰ دقیقه خبر، ۱۴ حمل ۱۴۰۳ www.youtube.com/watch?v=VZ7_dDQ-9LI).

به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی حمله و تلفات مالی و جانی وارده، بالاخص کشته شدن محمدرضا زاهدی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، شاخه سوریه و لبنان، حمله انجام شده واجد شدت لازم جهت احراز حمله مسلحانه باشد (عبداللهی و رشیدی، پیشین). همچنان با توجه به رویه برخی دولت‌ها از جمله آمریکا و چین که حملات بر اماکن دیپلماتیک و کنسولی خود را حمله مسلحانه

علیه خودشان عنوان کرده اند، به نظر می‌رسد که حمله سیزدهم حمل ۱۴۰۳ اسرائیل بر ساختمان کنسولگری ایران، واجد وصف حمله مسلحانه بوده، آنچه که ایران خود نیز در نامه ارسالی اش به شورای امنیت و همچنان در جلسه این شورا، این عمل اسرائیل را حمله مسلحانه علیه خودش عنوان نموده است (همان). از این جهت یکی از شرایط دفاع مشروع محقق گردیده است.

۲. وجود ضرورت

چنانچه در بحث ضرورت قبلاً بیان شد، رعایت عنصر ضرورت، مستلزم تأیید این امر است که درگیری را نمی‌توان از طریق اقدامات مسالمت آمیز حل کرد. هرگاه دولت قربانی بر اساس شواهد اثبات شده و حسن نیست، تشخیص دهد که دفع حمله صورت گرفته به طریق غیرمسلحانه امکان پذیر نیست و چاره‌ای جز توسل به زور وجود ندارد، بسنده خواهد بود و الزامی ندارد که دولت قربانی قبل از اقدام مسلحانه تمام اقدامات یا راه‌های غیر مسلحانه را امتحان کرده باشد.

در انطباق شرایط فوق با حملات ایران بر اسرائیل، اظهارات نمایندگی ایران در جلسه شورای امنیت در تاریخ ۱۴ اپریل مهم و قابل توجه است. در این جلسه نماینده ایران علاوه بر استناد اصلی به حمله ۱ اپریل به سفارت ایران در دمشق، به مجموعه‌ای از حملات رژیم اسرائیل در خاک و خارج از قلمروی ایران به نیروهای مسلح، دانشمندان و تأسیسات هسته‌ای اشاره می‌کند که بیانگر استمرار حملات اسرائیل در طول زمان است. (Ambassador's Statement Before UNSC Regarding Iran's

Legitimate Right to Self-Defense against Israeli Regime, ۱۵/۰۴/۲۰۲۴ -

۰۲:۵۴) به دیگر سخن، الگوی حملات سال‌های گذشته به مواضع، تأسیسات و نیروهای ایرانی در ایران و خارج از آن و عدم واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد، بیانگر استمرار و قریب الوقوع بودن این نوع حملات در آینده است. درست به همین دلیل، نماینده ایران به صراحت اظهار داشته است که «ایران چاره‌ای جز اعمال حق ذاتی برای دفاع از خود براساس حقوق بین الملل نداشته است». در نتیجه با توجه به واقعیت‌های موجود در قضیه حاضر و همچنین اظهارات نماینده ایران، به نظر می‌رسد که حمله ایران در ۲۶ حمل ۱۴۰۳ علیه اسرائیل واجد وصف ضرورت باشد (عبداللهی و رشیدی: ۱۴۰۳). به این ترتیب یکی از دیگر شرایط دفاع مشروع نیز محقق شده است.

۳. تناسب.

در انطباق حمله ایران با این شرط، هدف ایران بازداشتن اسرائیل از تداوم حملات به نیروها، تأسیسات و مواضع ایرانی در داخل و خارج از ایران اعلام شده است. بنابراین، باید دید که آیا استفاده از ده‌ها پهپاد و موشک برای تحقق این هدف متناسب بوده است یا خیر؟ جهت پاسخ به این مسئله، توجه به سیستم دفاعی مستقر اسرائیل لازم است. در این راستا، هر چند در برخی مواقع تعداد موشک‌های شلیک شده جنگی ایران زیاد و حتی نامتناسب به نظر می‌رسد، اما تاکتیک ترکیبی ایران به منظور خنثی کردن سیستم‌های مذکور، تعداد موشک‌های پرتابی را کم‌اهمیت می‌کند (عبداللهی و رشیدی: ۱۴۰۳)؛ زیرا با شلیک یک یا دو موشک هدف دفاع محقق نمی‌شد چنانچه در قضیه جزایر فالکلند، برای بریتانیا ممکن نبود که پس از حمله آرژانتاین به جزایر فالکلند در سال ۱۹۸۲، این جزایر را با استفاده از همان میزان زوری که

آرژنتاین استفاده کرده بود باز پس گیرد، چرا که آرژنتاین به مراتب نیروی نظامی بیشتری از نیروهای نظامی بریتانیا در جزایر مذکور مستقر نموده بود (فلک، پیشین: ۲۳). در واقع، آنچه در احراز عنصر تناسب حائز اهمیت است، آثار ناشی از حملات تدافعی است که می‌تواند به هدف دفاع کمک نماید نه تعداد حملات. در قضیه حاضر، دولت ایران با علم و آگاهی از امکان خنثی شدن تعداد زیادی از موشک‌های شلیک شده اش، فقط دو هدف نظامی (میدان هوایی نواتیم و رامون) را انتخاب و موفق به ایراد خساراتی بر آنها شد. (بی‌بی‌سی فارسی، ۶۰ دقیقه خبر ۱۶ اپریل ۲۰۲۴ www.youtube.com/watch?v=2Qgmf2fkMZE) برای نشان دادن تناسب حملات ایران، لازم است به این فرضیه توجه کرد که اگر تمامی حملات ایران دفع می‌شد، آیا بازدارندگی برای این حملات قابل تصور بود؟ لذا با توجه به این که در تناسب شرط اساسی مؤثریت دفاع برای بازدارندگی از حملات است لذا تعداد و همجنس بودن حملات دفاعی مهم نیست، با آنکه تعداد موشک‌های شلیک شده به مراتب بالاتر از موشک‌های شلیک شده توسط اسرائیل بوده است، اما به نظر می‌رسد که تناسب در هدف و اثر وجود داشته و یکی از دیگر شرایط دفاع مشروع نیز محقق شده است.

۴. فوریت

چنانچه قبلاً بیان شد نظریه فوریت در دفاع مشروع را نمی‌توان آنقدر جدی گرفت، زیرا ممکن است مدتی طول بکشد تا مقامات دولتی برای پاسخ به یک حمله مسلحانه تصمیم بگیرند. بنابراین، استفاده از زور با تأخیر هم می‌تواند قانونی باشد اگر تأخیر به طور عینی توجیه شده باشد. در قضیه ایران و اسرائیل هم با توجه به اینکه اسرائیل از یک سیستم دفاعی قوی برای خنثی سازی موشک‌ها و پهپادهای شلیک شده برخوردار بوده و این امر مستلزم آن بود تا برای پاسخ مناسب باید سنجش دقیق و صحیح صورت گیرد، لذا این امر می‌تواند فوریت دفاع مشروع ایران در برابر حمله اسرائیل را نفی کند. چنانچه در عمل هم رویه دولت‌ها حاکی از آن است که یک پاسخ منطقی با تأخیر پذیرفتنی است، بخصوص در جایی که هویت مهاجم نیاز به جمع‌آوری اطلاعات داشته و نیروهای نظامی دولت نیاز به دستور لازم برای حمله به شیوه هدفمندی دارند (Dahal, Ibid: 1113).

۵. اطلاع رسانی به شورای امنیت:

چنانچه گفته شده یکی از دیگر شرایط دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور، اطلاع دهی به شورای امنیت است. به منظور تحقق این پیش شرط، ایران در اولین اقدام پس از حمله سیزدهم حمل مصادف با ۱ اپریل ۲۰۲۴ با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت موضوع را به اطلاع این نهاد رساند و از آن درخواست برگزاری جلسه اضطراری نمود. در این جلسه ایران حق خود را برای پاسخ قاطع به این اقدام محفوظ دانست. با این همه، شورای امنیت به دلیل مخالفت سه عضو دائم (امریکا، انگلیس و فرانسه) از اتخاذ تصمیم و یا صدور بیانیه در محکومیت اقدام اسرائیل ناتوان گردید. با توجه به اینکه واکنش نظامی ایران از حیث تاریخی چند روز پس از جلسه شورای امنیت و عدم اقدام مناسب این نهاد صورت گرفت، این شرط دفاع مشروع نیز محقق شده است. این امر به ویژه با تأکید بعدی ایران تقویت گردید که نمایندگی ایران در سازمان ملل اعلام کرد: اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد تجاوز رژیم صهیونیستی به امکان

دیپلماتیک ما در دمشق را محکوم کرده بود و متعاقباً عاملان آن را محاکمه می‌نمود، شاید ضرورتی برای مجازات این رژیم سرکش توسط ایران وجود نداشت (Ambassador's Statement, 15/4/2024). بر این اساس پنجم شرط دفاع مشروع هم از نظر منشور محقق است.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی حملات موشکی و پهبادی ایران به اسرائیل در قالب مفاهیم اقدامات تلافی‌جویانه، اقدامات متقابل و دفاع مشروع و همچنان انطباق آن با شرایط و ویژگی هریک از اصطلاحات یاد شده چنین استنتاج می‌گردد که حملات یاد شده نه در قالب اقدامات تلافی‌جویانه و نه در قالب اقدامات متقابل سازگار است؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی اقدامات تلافی‌جویانه اینست که این اقدامات بیشتر در زمان مخاصمات مسلحانه مطرح بوده و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بر آن اعمال می‌شود. از آن جهت که ایران و اسرائیل در یک وضعیت جنگی و مخاصمه قرار ندارند و کنوانسیون‌های ژنو برای آنها لازم الاجرا نشده است، لذا اقدامات تلافی‌جویانه منتفی است و نمی‌توان حملات ایران به اسرائیل را واجد وصف اقدامات تلافی‌جویانه دانست. همچنان در خصوص اقدامات متقابل باید گفت مهم‌ترین شاخص اقدامات متقابل، غیرقهری و نظامی بودن این اقدامات است؛ از آنجا که حملات موشکی و پهبادی ایران به اسرائیل، اقدامات قهری و نظامی بوده اند، لذا با مفهوم اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد.

سر انجام با تطبیق حملات ایران علیه اسرائیل در قالب مفهوم دفاع مشروع بهتر و خوبتر از هر مفهوم دیگر می‌گنجد؛ زیرا دفاع مشروع از آن جهت که در زمان حمله مسلحانه مطرح است، حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق نیز واجد وصف حمله مسلحانه بوده که شرط دفاع مشروع را محقق ساخته است از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های دفاع مشروع قهری بودن آن است، از آنجا که همه‌ی اقدامات ایران علیه اسرائیل اقدامات قهری و نظامی بوده اند از این جهت نیز شرط دفاع مشروع محقق گردیده است. در عین حال سایر شرایط دفاع مشروع از قبیل، تناسب، ضرورت و اطلاع رسانی به شورای امنیت، در حمله ایران به اسرائیل موجود بوده، لذا به راحتی می‌توان گفت، حملات موشکی و پهبادی ایران علیه اسرائیل به تاریخ ۲۶ حمل ۱۴۰۳ صورت گرفت، حق دفاع مشروع طبق منشور و حقوق بین‌الملل است.

منابع

الف) کتاب‌های فارسی

۱. ابراهیم گل، علی‌رضا (۱۳۹۵) مسؤولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل) تهران، شهردانش.
۲. امید، علی (۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل معاصر از نظریه تا عمل، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۳. ساعد، نادر (۱۳۸۷) حقوق بین‌الملل معاصر، نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۴. ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۷) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ سی و ششم.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴) جستارهایی پیرامون حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، جلد اول.
۶. فلک، دیتر (۱۳۹۵) حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سیدقاسم زمانی و نادر ساعد، تهران: شهردانش، چاپ چهارم.
۷. کیتی شیایزری، کریانک ساک (۱۳۹۶) حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه: بهنام یوسفیان، تهران: سمت، چاپ ششم.
۸. ملکزاده، بنفشه، فرید، محمدحسن (۱۳۸۷) فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، ترجمه: محمد شریف پسندی، سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO)، چاپ دوم.
۹. والاس، ربکا، الگا مارتین ارتگا (۱۳۹۲) حقوق بین‌الملل، ترجمه: سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران: شهر دانش، چاپ چهارم.

ب) مقالات و کنوانسیون‌های فارسی

۱. اشمیت، مایکل (۱۴۰۳) تقاص، تلافی، تنبه و حقوق بین‌الملل، ترجمه: موسی کرمی، اکادمی بیکدلی.
۲. راعی دهقی، مسعود (۱۳۹۰) اقدام متقابل و حقوق بین‌الملل، مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۵، صص (۱۰۳-۱۱۶)
۳. شریفی طرازکوهی، حسین، مهرانی، فرزاد (بهار و تابستان ۱۳۹۱) بررسی تحلیلی حق دفاع مشروع با تأکید بر اقدامات مسلحانه دولت‌ها علیه حملات گروه‌های تروریستی بین‌المللی، دو فصلنامه دانش و پژوهش‌های حقوق، دوره اول، شماره ۱.
۴. طارم‌سری، مسعود، عالم، عبدالرحمن و دیگران (۱۳۶۹) مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره اول، شماره هشتم، صص (۷-۵۲).

۵. عبداللهی، محسن، رشیدی، مهناز (۱۴۰۳/۲/۱) دفاع مشروع در برابر حمله به اماکن دیپلماتیک، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۶. عزیزی، ستار (۲۰۲۴) حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه از منظر حقوق بین‌الملل، شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۷. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۸) مفهوم آتش بس، ترک مخاصمه و متارکه جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مجله حقوق بین‌الملل، شماره یازدهم، صص (۱۲۷-۱۵۱).
۸. دقیق، مهتاب، لسانی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۸) بررسی اقدامات تلافی‌جویانه علیه اموال فرهنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۴، صص (۱۲۴۹-۱۲۶۵)
۹. کنوانسیون اول ژنو (۱۹۴۹) راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح هنگام جنگ.
۱۰. کنوانسیون دوم ژنو (۱۹۴۹) راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا.
۱۱. کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) مربوط به رفتار با اسیران جنگی.
۱۲. کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) در مورد حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ.
۱۳. پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی.

ج) مقالات و کنوانسیون های انگلیسی

14. Ambassador's Statement Before UNSC Regarding Iran's Legitimate Right to Self-Defense against Israeli Regime, ۱۵/۰۴/۲۰۲۴ - ۰۲:۵۴
15. Dahal, Pukar Right to Self-Defence of States under International Law, international journal of law management & humanities, Volume ۳, Issue ۵, ۲۰۲۰. P ۱۱۰۷-۱۱۲۰.
16. Resolution ۳۳۱۴ (xxix), Definition of aggression general assembly ۱۴ december ۱۹۷۴.
17. Resolotion. 2635, declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 24, OCT, 1970
18. International Committee of the Red Cross (ICRC), How is the Term "Armed Conflict" Defined in International Humanitarian Law, Opinion Paper, March ۲۰۰۸.

19. Schmitt, Michael .N , Reprisals In International Humanitarian Law, Lieber Institute West point, Mar ۶, ۲۰۲۳.
20. Schmitt, Michael .N , Retaliation, Retribution, and Punishment and International law, Lieber Institute West point, APR ۱۸, ۲۰۲۴.
21. ICRC Openion paper, 2008.
22. ICJ.reports, judgments of 27/June/1986.
23. ICJ.reports, judgments of 19/Dec/1986.

(د) سایتهای خبری اینترنتی

۲۴. بی بی سی فارسی، ۶۰ دقیقه خبر، سه شنبه، ۱۴ حمل ۱۴۰۳.
۲۵. بی بی سی فارسی، ۶۰ دقیقه خبر، ۱۶، اپریل، ۲۰۲۴.
26. www.youtube.com/watch?v=2Qgmf2fkMZE
27. [parsi.euronews.com/۱۸/۰۷/۲۰۲۳/ukraine war russia's retaliatory attacks on odessa.](https://parsi.euronews.com/۱۸/۰۷/۲۰۲۳/ukraine-war-russias-retaliatory-attacks-on-odessa)
28. www.bbc.com/persian/world-۶۱۱۲۴۱۳۱. ۲۰۲۲/Apr/۱۵.
29. <https://shayanews.com/16/192870>
30. <https://www.ynetnews.com/article/rya72ut10>
31. <https://www.nytimes.com/2024/04/01/world/middleeast/iran-commanders-killed-syria-israel.html>
32. <https://www.bbc.com/persian/articles/c0kedxz0dxyo>